

گزارش

استان ها آماده سیلاب و خشکسالی باشند

هشدار جدی درباره ال نینو

مدیرکل دفتر اطلاعات و داده های آب کشور با اشاره به آثار احتمالی پدیده ال نینو بر شرایط اقلیمی کشور، گفت: افزایش میانگین بارش به معنای پایان خشکسالی یا کاهش خطر سیلاب نیست و با توجه به احتمال وقوع بارش های حادی، استان ها باید همزمان برای مدیریت سیلاب و خشکسالی آمادگی داشته باشند.

فیروز قاسم زاده- مدیرکل دفتر اطلاعات و داده های آب کشور- در نشست تخصصی بررسی پدیده اقلیمی ال نینو اظهار کرد: پدیده ال نینو می تواند در پاییز و زمستان امسال بر الگوی بارش و دمای کشور اثرگذار باشد، اما این اثر در مناطق مختلف یکسان نیست. بر اساس بررسی های آماری و مدل های پیش بینی، در پاییز احتمال افزایش بارش در بخش هایی از نیمه جنوبی کشور و وقوع رخداد های حادی و سیلابی بیشتر است، در حالی که در زمستان بخش عمده کشور شرایط نزدیک به نرمال خواهد داشت. همچنین پیش بینی های از زمستانی گرم تر از شرایط معمول حکایت دارد و این موضوع می تواند بر مصرف آب و انرژی اثرگذار باشد.

وی با تأکید بر اینکه افزایش میانگین بارش به معنای منتفی شدن خشکسالی یا کاهش خطر سیلاب نیست، گفت: حدود ۴۰ درصد از سال هایی که ال نینو در ایران حاکم بوده، با خشکسالی همراه شده است و از این رونباید صرفاً بر اساس پیش بینی های بلندمدت تصمیم گیری کرد. با توجه به احتمال وقوع بارش های حادی، استان ها باید همزمان برای مدیریت سیلاب و خشکسالی آماده باشند و با استفاده از بارش های مناسب، اجرای طرح های تغذیه مصنوعی و اقدامات سازه ای و غیرسازه ای، زمینه افزایش ذخایر آب زیرزمینی را فراهم کنند. وی همچنین بر ضرورت آمادگی برای خسارت های ناشی از سیلاب، آب گرفتگی، فرسایش و آسیب به زیرساخت ها تأکید کرد.

مدیرکل دفتر اطلاعات و داده های آب کشور، هماهنگی با سازمان هواشناسی و بهره یز از ارائه اطلاعات متناقض را از الزامات اطلاع رسانی دانست و بر ضرورت تحقق «عدم قطعیت» پیش بینی ها برای افکار عمومی تأکید کرد.

هماهنگی بین دستگاه ها و مستندسازی

مهدی جهانیان- مدیرکل دفتر هماهنگی مدیریت بحران و پدافند غیرعامل شرکت مدیریت منابع آب ایران- با تأکید بر ضرورت اجرای دقیق فرآیندهای پیش بینی و مدیریت سیلاب، گفت: مدیریت سیلاب بر اساس نظام نامه مدیریت سیلاب وزارت نیرو و هشدارهای هواشناسی و مؤسسه تحقیقات آب انجام می شود و در صورت ضرورت، ستاد فرماندهی مدیریت و پشتیبانی سیلاب تشکیل و وظایف دستگاه ها مرتبط برای کاهش خسارت مشخص می شود. تجربه سیلاب سال ۱۳۹۸ نشان داد که تشکیل به موقع جلسات مدیریت شرایط اضطرار، تقسیم وظایف و هماهنگی میان دستگاه ها نقش تعیین کننده ای در کاهش خسارات دارد، بنابراین لازم است همکاران روابط عمومی شرکت های آب منطقه ای نیز در جریان این فرآیندها و وظایف دستگاه های مختلف قرار داشته باشند. مدیرکل دفتر هماهنگی مدیریت بحران مستندسازی حوادث و اقدامات انجام شده را از دیگر وظایف مهم روابط عمومی ها دانست و اظهار کرد: در زمان وقوع بحران، مدیران و نیروها عملیاتی درگیر مدیریت میدان و کاهش خسارت هستند و روابط عمومی می تواند با ثبت دقیق تصاویر، فیلم و سایر مستندات، زمینه تهیه گزارش های کارشناسی و استخراج درس آموخته ها برای جلوگیری از تکرار حوادث را فراهم کند.

جهانیان همچنین بر استفاده از اطلاع رسانی به موقع هشدارهای سیلاب، استفاده از ظرفیت صدا و سیما و رسانه های محلی، اجرای مانورهای آمادگی، توجه به سازه های تقاطعی فاقد ایبگذاری و تقویت هماهنگی با دستگاه هایی مانند راه و شهرسازی، جهاد کشاورزی، شهرداری ها، دهیاری ها و بنیاد مسکن تأکید کرد و گفت: با توجه به عدم قطعیت در پیش بینی میزان و گستره بارش، هشدارهای سیلاب باید با نگاه حد اکثری به حفظ جان مردم دنبال شود.

امیر جعفری- معاون دفتر اطلاع رسانی وزارت نیرو- نیز در این جلسه، با تأکید بر اهمیت اطلاع رسانی پیش نگرانه در مواجهه با مخاطرات بارشی و سیلابی، گفت: باید با تولید محتوای مستمر و شفاف، ذهن مردم را نسبت به واقعیت های اقلیمی و عدم قطعیت بارش ها واقعی کنیم و از شکل گیری تصور «پایان خشکسالی» یا «پرابی» جلوگیری شود. از این روزلازم است پیش از وقوع بحران، حین آن و پس از آن، سناریوهای اطلاع رسانی مشخصی داشته باشیم و آمادگی و اشراف وزارت نیرو بر شرایط را برای افکار عمومی تبیین کنیم.

جعفری با اشاره به ضرورت توجه ویژه به خسارت انسانی و مدیریت رسانه ای حوادث، بر مستندسازی حرفه ای بارش ها و سیلاب ها پیش رو تأکید کرد و افزود: ثبت تصاویر و مستندات از هم اکنون می تواند در ارزیابی حوادث و انتقال واقعیت ها به جامعه مؤثر باشد، همچنین در اطلاع رسانی ها به ظرفیت بارش ها در تقویت منابع آب زیرزمینی و ذخیره سازی آب تأکید شود.

آموزش و ظرفیت جوامع محلی

عبدالله اسکویی- کارشناس مدیریت منابع آب- با تأکید بر ضرورت آمادگی مستمر کشور برای مقابله با خشکسالی و خطرات ناشی از آن، آموزش و بهره گیری از ظرفیت جوامع محلی را از مهم ترین ابزارهای مدیریت این مخاطرات دانست و گفت: استفاده از تجربه های گذشته، برگزاری برنامه های آموزشی و طراحی نرم افزارهای پیشگیرانه می تواند به شناسایی نقاط و مراکز در معرض خطر، از جمله مراکز گردشگری و پرورش ماهی، پیش از وقوع حادثه کمک کند.

عباسعلی کیتخابی- مدیرکل دفتر امور اجتماعی و روابط عمومی- نیز با تأکید بر اهمیت نقش روابط عمومی ها در شرایط اقلیمی پیش رو گفت: در موضوعی مانند ال نینو، روابط عمومی باید پیش از آنکه یک اتفاق به مسئله رسانه ای و اجتماعی تبدیل شود، اطلاعات لازم را دریافت و شرایط را رصد کرده باشد. قرار نیست پیش بینی را به عنوان یک واقعیت قطعی به مردم منتقل کنیم؛ اما باید برای سناریوهای مختلف آمادگی اطلاع رسانی داشته باشیم. ارتباط مستمر میان بخش های تخصصی، مدیریت بحران و روابط عمومی ها کمک می کند اطلاعات دقیق، به موقع و قابل فهم در اختیار مردم قرار گیرد و از شکل گیری اخبار و برداشت های غیرمستند جلوگیری شود.

آرمان ملی- صدیقہ بهزادپور: اظهارات اخیر رئیس قوه قضائیه درباره وضعیت شرکت های دولتی، بار دیگر باعث غبارزدایی از پرونده های قدیمی اقتصاد ایران شده است که اگرچه در ظاهر درباره تعداد شرکت های وابسته به دولت، اعضای هیات مدیره و پرداخت پاداش به مدیران است، اما در لایه ای عمیق تر به مسأله ای بزرگ تر یعنی نحوه اداره بنگاه های دولتی و هزینه ای که ناکارآمدی احتمالی آنها بر اقتصاد تحمیل می کند، بازمی گردد. کارشناسان معتقدند: این مسأله مربوط به یکی دو سال اخیر نیست، بلکه از مدت ها قبل وجود داشته اما واکنشی که باید در سطح کلان از سوی حاکمیت در یک زنجیره بهم پیوسته در برابر آن نشان داده می شد، انجام نگرفت تا جایی که می توان گفت در حال حاضر مجموعه ای از شرکت های زیان ده در قالب بانک، شرکت های صنعتی و... اقتصاد کشور را محاصره کرده اند و وزنه درشتی برای بودجه سالیانه دولت ها به شمار می آیند که به نوعی بر دوش مردم سنگینی می کنند.

به گزارش «آرمان ملی»، محسنی اژه ای با اشاره به وجود بیش از ۳۰۰ شرکت وابسته به دولت اعلام کرده است که مجموع بودجه این شرکت ها از بودجه دولت بیشتر است. او همچنین به گزارش سازمان بازرسی درباره حضور ۱۵۳۵ نفر به صورت خلاف قانون در هیات مدیره ها اشاره کرده و خواستار بررسی وضعیت این شرکت ها، میزان پرداخت حقوق و پاداش مدیران و همچنین بازگشت اموال نامشروع به بیت المال شده است. در بخشی از این اظهارات نیز به شرکت هایی اشاره شده که با وجود زیان ده بودن، به مدیران آنها پاداش پرداخت شده است. این اظهارات در شرایطی مطرح می شود که شرکت های دولتی طی دست کم دو دهه گذشته همواره یکی از بزرگ ترین بخش های اقتصاد ایران بوده اند و نکته قابل توجه این است که رقم بودجه شرکت های دولتی، بانک ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت در بسیاری از سال ها از بودجه عمومی دولت بزرگ تر بوده است، رویکردی که نشان می دهد با یک ساختار مالی بسیار گسترده مواجه هستیم که بخش مهمی از گردش مالی اقتصاد کشور را دربرمی گیرد.

تأثیر بر تورم

البته بزرگ تر بودن بودجه شرکت های دولتی از بودجه عمومی به این معنا نیست که دولت همین میزان پول را از خزانه به شرکت ها پرداخت می کند، بلکه بخش قابل توجهی از این ارقام مربوط به درآمد و هزینه خود شرکت هاست و شرکت های بزرگی مانند مجموعه های نفتی، گازی، بانکی و انرژی نیز در این محاسبات قرار دارند. از این رو، نمی توان صرفاً با مقایسه دو رقم بودجه نتیجه گرفت که تمام این منابع هزینه دولت یا عامل تورم هستند. صاحب نظران این باره معتقدند: مسئله اصلی جای دیگری است؛ اینکه در میان این مجموعه بزرگ از بنگاه های دولتی، چه میزان از منابع صرف تولید و سرمایه گذاری می شود و چه میزان به هزینه های جاری، مدیریت ناکارآمد، زیان شرکت ها و ساختارهای مدیریتی اختصاص پیدا می کند.

به باور کارشناسان؛ اهمیت این مسأله زمانی بیشتر می شود که یک شرکت دولتی زیان ده باشد. زیان یک بنگاه دولتی مانند زیان یک شرکت خصوصی نیست که در نهایت سهامدار خصوصی آن را تحمل کند و حتی امکان ورشکستگی یا خروج از بازار وجود داشته باشد. در مورد شرکت های دولتی، به دلیل وجود اقتصادی یا سیاسی بسیاری از آنها، امکان تعطیلی یا ورشکستگی معمولاً بسیار محدودتر است و در نتیجه زیان می تواند از مسیری دیگر جبران شود؛ از بودجه عمومی گرفته تا منابع بانکی، افزایش بدهی یا انتقال هزینه به سایر بخش های اقتصاد. در این راستا، به درستی ارتباط شرکت های دولتی با مسئله تورم فقط علت تورم ۹۰ درصدی اعلام کرد، چون تورم حاصل مجموعه ای از عوامل از جمله رشد نقدینگی، کسری بودجه، ناترازی نظام بانکی، نرخ ارز، شوک های عرضه و انتظارات تورمی است. اما در عین حال اگر زیان شرکت های دولتی از طریق منابع عمومی با شبکه بانکی جبران شود، این روند می تواند یکی از مسیرهای ایجاد یا تشدید ناترازی مالی و پولی اقتصاد باشد و از این کاتال بر تورم اثر بگذارد.

داستان انتصاب مدیران

این گزارش حاکی است؛ بنابر اظهارات رئیس قوه قضائیه درباره اعضای هیات مدیره ها؛ حضور ۱۵۳۵ نفر به شکل خلاف قانون در هیات مدیره ها، این پرسش را ایجاد می کند که سازوکار انتخاب مدیران در این شرکت ها چگونه عمل می کند و آیا میان عملکرد اقتصادی مدیران و دریافتی آنها

گزارش «آرمان ملی» درباره چاه بی پایان هزینه های شرکتهای دولتی در بودجه

فرصتی برای شفاف سازی شرکت های دولتی زیان ده



ربه وارث کوهی از بدهی ها، تخلفات و ناکارآمدی مدیران بانک های پیشین شد، در حالی که هیچ گاه این مدیران برای صدها میلیارد تومان زیان انباشته و ریخت و پاش های صورت گرفته یا زیر محاکمه و پاسخگویی کشیده نشدند. این در حالی است که دادگاه ها و قوه قضائیه باید مأمن برخورد با فساد و حیف و میل منابع ملی باشند، نه اینکه زیان ناشی از بی تدبیری نهادهای خاص در نهایت از جیب مردم و منابع عمومی کشور تسویه شود. او با تأکید بر اینکه اجرای صحیح خصوصی سازی می تواند قفل بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور را حل کند گفت: نمونه روشن دیگر در این چرخه معیوب، رفتاری است که با موضوع خصوصی سازی و سرمایه گذاران واقعی بخش خصوصی صورت می گیرد. شرکت کشت و صنعت مغان نمونه ای بارز از این رویکرد ویرانگر است. مجموعه ای وابسته به بخش عمومی که در جریان واگذاری به بخش خصوصی متعهد و کاردانی، با ورود فناوری های نوین، جذب سرمایه و ارتقای تولید مواجه شد و برای منطقه رونق به همراه آورد، اما فشارهای سیاسی و جریانات تمامیت خواه سبب ابطال آن واگذاری شدند. اکنون همان مجموعه به دامن تصدی گری ناکارآمد بازگشته و بار دیگر صورت های مالی آن نشان دهنده زیان دهی است.

خصوصی سازی سالم؟

این کارشناس اضافه کرد: در برابر چنین برخوردهایی با فعالان واقعی بخش خصوصی، شرکت های سوددهی مانند مخابرات به سادگی به بخش های ضصولتی واگذار شدند و هیچ واکنشی هم دیده نشد. پیامد این سیاست ها، نامنی مفراط اقتصادی و فرار سرمایه ها به کشورهای نظیر ترکیه بوده است. بازوکی توضیح داد: حاکمیت شرکت های عمومی که در جریان واگذاری به بخش های خصوصی واگذار شده اند و هیچ واکنشی خاص، بنیادها و... بر گلوگاه های تجاری و اقتصاد دارند، عملاً بخش خصوصی سالم را به حاشیه رانده است. در اقتصادهای پیشرفته دنیا، وزارت دفاع یا ساختارهای نظامی به حوزه بنگاه داری اقتصادی وارد نمی شوند و شاید تنها در کشوری مثل کره شمالی شاهد چنین مناسباتی باشیم. در حقیقت این مجموعه ها با تکیه بر معافیت های مالیاتی و رانت های انحصاری، میدان رقابت را مسدود کرده اند و سودهای کلان آنها نیز به خزانه عمومی ملت وارد نمی شود.

ضرورت اجماع حاکمیتی

این کارشناس تأکید کرد: برای خروج از این باتلاق اقتصادی، چاره ای جز شجاعت در تصمیم گیری، عقلانیت مدیریتی و خصوصی سازی واقعی، شفاف و بدون رانت وجود ندارد. تجربه موفقی مانند آلمان پس از اتحاد مجدد نشان می دهد که دولت حق شرکت های زیان ده را باقیمت نمادین یک یورو اما با شروط سخت و سخت حفظ تولید، فناوری و اشتغال به بخش خصوصی سپرد و موفق شد. در کشور ما نیز اگر قوه قضائیه امنیت سرمایه گذاری را برای بخش خصوصی واقعی تضمین کند و دستگاه های نظارتی مانع باج خواهی جریانات رانت جو شوند، می توان بار سنگین این شرکت های زیان ده را از دوش بودجه برداشت، بساط حیات خلوت ها را جمع کرد و اقتصاد را به ریل بهره وری بازگرداند. او در نهایت تأکید کرد: بسیاری از این چالش ها در دوران مختلف رخ داده است، اما اظهارات اخیر آقای اژه ای می تواند فرصت مناسبی را برای اصلاحات ایجاد کند که البته نیاز به اجماع در حاکمیت و مقابله با بعضی از رانت ها دارد.

رابطه مشخصی وجود دارد یا خیر؟ به عبارتی؛ اگر شرکتی زیان ده باشد اما مدیران آن همچنان پاداش دریافت کنند، در واقع یکی از مهم ترین اصول مدیریت اقتصادی یعنی ارتباط میان عملکرد و پاداش زیر سؤال می رود. بعلاوه، عضویت یک فرد در چندین هیات مدیره می تواند زمینه تعارض منافع، تمرکز قدرت مدیریتی و شکل گیری شبکه های غیرشفاف تصمیم گیری را فراهم کند. هرچند برخی از صاحب نظران تأکید می کنند که این مسئله البته جدید نیست و طی حدود دو دهه گذشته، خصوصی سازی، کوچک سازی دولت و افزایش بهره وری شرکت های دولتی بارها در برنامه های اقتصادی کشور مطرح شده است، اما همچنان بخش بزرگی از اقتصاد در اختیار شرکت هایی است که مالکیت یا کنترل آنها به دولت یا نهادهای عمومی بازمی گردد. به همین دلیل، مسأله امروز فقط تعداد شرکت های دولتی نیست؛ مسأله مهم تر، کیفیت اداره آنها و نحوه مواجهه دولت با زیان، بدهی و ناکارآمدی احتمالی این بنگاه هاست.

مطالبات برای شفاف سازی

در چنین شرایطی، مطالبه اصلی عام و خاص مردم این است که چرا شرکتی که زیان ده است باید همچنان با همان ساختار ادامه فعالیت دهد و اگر فعالیت آن برای اقتصاد کشور ضروری است، زیان آن چگونه باید جبران شود یا حتی اگر شرکت سودده است، چه میزان از سود آن به دولت و در نهایت به جامعه بازمی گردد؟ و اگر مدیران پاداش دریافت می کنند، معیار دقیق پرداخت این پاداش ها چیست؟ قطعاً پاسخ به این پرسش ها می تواند ابعاد مهم تری از اقتصاد ایران را روشن کند. زیرا مسئله شرکت های دولتی صرفاً مسئله چند مدیر یا چند هیات مدیره نیست؛ سخن از ساختاری با گردش مالی بسیار بزرگ است که در صورت ناکارآمدی می تواند هزینه های خود را به بخش های دیگر اقتصاد منتقل کند.

سایه سنگین در بودجه

مهدی بازوکی تحلیلگر اقتصادی در این باره به «آرمان ملی»، گفت: لایحه و قانون بودجه کل کشور همواره از دو بخش اصلی تشکیل شده است که شامل بودجه عمومی دولت و بودجه شرکت های دولتی، بانک ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت است. نگاهی به ارقام بودجه سال جاری به روشنی نشان می دهد که بودجه شرکت های دولتی حتی از بودجه عمومی نیز فراتر رفته است؛ رقمی نزدیک به ۸ هزار و ۹۰۰ همت در برابر حدود ۶ هزار و ۴۰۰ همت بودجه عمومی. این عدم تعادل نشان دهنده ابعاد سنگین شرکت های دولتی در اقتصاد ایران است، شرکت هایی که به جای ارزش آفرینی، عملاً به حیات خلوت برخی وزارتخانه ها و نهادهای قدرت تبدیل شده اند و بار زیان های انباشته شان مستقیماً بر دوش کل اقتصاد و تورم عمومی تحمیل می شود. او افزود: نظارت بر عملکرد و بودجه این شرکت ها رسالت و وظیفه ذاتی مجلس شورای اسلامی و نهادهای نظارتی است. اما ضعف نظارت و فقدان شفافیت باعث شده است مدیرانی بر این مجموعه ها حاکم شوند که نه بر اساس شایسته سالاری، بلکه بر پایه ارتباطات منصوب می شوند.

پاسخگو نبودن این شرکت ها

بازوکی ادامه داد: یکی از مصادیق عینی تحمیل زیان سنگین به بخش دولتی، ادغام بانک های وابسته به نهادهای نظامی است. در هیچ جای دنیا نهادهای نظامی دفاعی بانکداری نمی کنند. در جریان این ادغام، بانک

صمت، ضمن هشدار نسبت به تبعات این

تصمیم بر نوسازی ناوگان و ایمنی معادن، خواستار تشکیل کارگروه مشترک برای اصلاح فرآیندها شد.

این چالش حقوقی پس از آن بروز کرده که دفتر مقررات صادرات و واردات با استناد به نظریه معاونت حقوقی ریاست جمهوری و باتکیه بر ماده (۳) «قانون جهش تولید دانش بنیان»، امکان بهره مندی از معافیت های گمرکی برای تجهیزات معدنی را منتفی اعلام کرد.

اگرچه قانون جهش تولید دانش بنیان با هدف حمایت از تولید داخل تدوین شده، اما فعالان معدنی انتقاد از اجرای یک باره

و فاقد تفکیک این حکم، فشار مضاعفی بر هزینه های تولید وارد کرده و علما مانع از نوسازی ناوگان فرسوده معدنی کشور

صمت، ضمن هشدار نسبت به تبعات این

تصمیم بر نوسازی ناوگان و ایمنی معادن، خواستار تشکیل کارگروه مشترک برای اصلاح فرآیندها شد.

این چالش حقوقی پس از آن بروز کرده که دفتر مقررات صادرات و واردات با استناد به نظریه معاونت حقوقی ریاست جمهوری و باتکیه بر ماده (۳) «قانون جهش تولید دانش بنیان»، امکان بهره مندی از معافیت های گمرکی برای تجهیزات معدنی را منتفی اعلام کرد.

اگرچه قانون جهش تولید دانش بنیان با هدف حمایت از تولید داخل تدوین شده، اما فعالان معدنی انتقاد از اجرای یک باره

و فاقد تفکیک این حکم، فشار مضاعفی بر هزینه های تولید وارد کرده و علما مانع از نوسازی ناوگان فرسوده معدنی کشور

صمت، ضمن هشدار نسبت به تبعات این

تصمیم بر نوسازی ناوگان و ایمنی معادن، خواستار تشکیل کارگروه مشترک برای اصلاح فرآیندها شد.

این چالش حقوقی پس از آن بروز کرده که دفتر مقررات صادرات و واردات با استناد به نظریه معاونت حقوقی ریاست جمهوری و باتکیه بر ماده (۳) «قانون جهش تولید دانش بنیان»، امکان بهره مندی از معافیت های گمرکی برای تجهیزات معدنی را منتفی اعلام کرد.

اگرچه قانون جهش تولید دانش بنیان با هدف حمایت از تولید داخل تدوین شده، اما فعالان معدنی انتقاد از اجرای یک باره

و فاقد تفکیک این حکم، فشار مضاعفی بر هزینه های تولید وارد کرده و علما مانع از نوسازی ناوگان فرسوده معدنی کشور

صمت، ضمن هشدار نسبت به تبعات این

تصمیم بر نوسازی ناوگان و ایمنی معادن، خواستار تشکیل کارگروه مشترک برای اصلاح فرآیندها شد.

این چالش حقوقی پس از آن بروز کرده که دفتر مقررات صادرات و واردات با استناد به نظریه معاونت حقوقی ریاست جمهوری و باتکیه بر ماده (۳) «قانون جهش تولید دانش بنیان»، امکان بهره مندی از معافیت های گمرکی برای تجهیزات معدنی را منتفی اعلام کرد.

اگرچه قانون جهش تولید دانش بنیان با هدف حمایت از تولید داخل تدوین شده، اما فعالان معدنی انتقاد از اجرای یک باره

و فاقد تفکیک این حکم، فشار مضاعفی بر هزینه های تولید وارد کرده و علما مانع از نوسازی ناوگان فرسوده معدنی کشور

صمت، ضمن هشدار نسبت به تبعات این

تصمیم بر نوسازی ناوگان و ایمنی معادن، خواستار تشکیل کارگروه مشترک برای اصلاح فرآیندها شد.

این چالش حقوقی پس از آن بروز کرده که دفتر مقررات صادرات و واردات با استناد به نظریه معاونت حقوقی ریاست جمهوری و باتکیه بر ماده (۳) «قانون جهش تولید دانش بنیان»، امکان بهره مندی از معافیت های گمرکی برای تجهیزات معدنی را منتفی اعلام کرد.

اگرچه قانون جهش تولید دانش بنیان با هدف حمایت از تولید داخل تدوین شده، اما فعالان معدنی انتقاد از اجرای یک باره

و فاقد تفکیک این حکم، فشار مضاعفی بر هزینه های تولید وارد کرده و علما مانع از نوسازی ناوگان فرسوده معدنی کشور

صمت، ضمن هشدار نسبت به تبعات این

تصمیم بر نوسازی ناوگان و ایمنی معادن، خواستار تشکیل کارگروه مشترک برای اصلاح فرآیندها شد.

این چالش حقوقی پس از آن بروز کرده که دفتر مقررات صادرات و واردات با استناد به نظریه معاونت حقوقی ریاست جمهوری و باتکیه بر ماده (۳) «قانون جهش تولید دانش بنیان»، امکان بهره مندی از معافیت های گمرکی برای تجهیزات معدنی را منتفی اعلام کرد.

اگرچه قانون جهش تولید دانش بنیان با هدف حمایت از تولید داخل تدوین شده، اما فعالان معدنی انتقاد از اجرای یک باره

و فاقد تفکیک این حکم، فشار مضاعفی بر هزینه های تولید وارد کرده و علما مانع از نوسازی ناوگان فرسوده معدنی کشور

صمت، ضمن هشدار نسبت به تبعات این

تصمیم بر نوسازی ناوگان و ایمنی معادن، خواستار تشکیل کارگروه مشترک برای اصلاح فرآیندها شد.

این چالش حقوقی پس از آن بروز کرده که دفتر مقررات صادرات و واردات با استناد به نظریه معاونت حقوقی ریاست جمهوری و باتکیه بر ماده (۳) «قانون جهش تولید دانش بنیان»، امکان بهره مندی از معافیت های گمرکی برای تجهیزات معدنی را منتفی اعلام کرد.

اگرچه قانون جهش تولید دانش بنیان با هدف حمایت از تولید داخل تدوین شده، اما فعالان معدنی انتقاد از اجرای یک باره

و فاقد تفکیک این حکم، فشار مضاعفی بر هزینه های تولید وارد کرده و علما مانع از نوسازی ناوگان فرسوده معدنی کشور

صمت، ضمن هشدار نسبت به تبعات این

تصمیم بر نوسازی ناوگان و ایمنی معادن، خواستار تشکیل کارگروه مشترک برای اصلاح فرآیندها شد.

این چالش حقوقی پس از آن بروز کرده که دفتر مقررات صادرات و واردات با استناد به نظریه معاونت حقوقی ریاست جمهوری و باتکیه بر ماده (۳) «قانون جهش تولید دانش بنیان»، امکان بهره مندی از معافیت های گمرکی برای تجهیزات معدنی را منتفی اعلام کرد.

اگرچه قانون جهش تولید دانش بنیان با هدف حمایت از تولید داخل تدوین شده، اما فعالان معدنی انتقاد از اجرای یک باره

و فاقد تفکیک این حکم، فشار مضاعفی بر هزینه های تولید وارد کرده و علما مانع از نوسازی ناوگان فرسوده معدنی کشور

دربین

تورم از کج آب می خورد؟

تورم در اقتصاد ایران تنها حاصل یک عامل نیست؛ از فشار تحریم و شوک های ارزی گرفته تا کسری بودجه، سیاست های پولی و مالی و شکل گیری انتظارات تورمی، مجموعه ای از عوامل در کنار یکدیگر قرار گرفته اند. در این میان، روایت بانک مرکزی بیشتر بر مدیریت شوک های بیرونی و مهار رشد نقدینگی متمرکز است، در حالی که برخی کارشناسان اقتصادی، ریشه مسئله را بیشتر در ساختار بودجه و شیوه تأمین مالی دولت هاست وجو می کنند.

به گزارش ایسنا، بسیاری از کارشناسان بر این باورند که تورم در اقتصاد ایران پدیده ای نیست که بتوان آن را صرفاً به افزایش قیمت یک کالا، رشد نرخ ارز یا حتی افزایش نقدینگی نسبت داد. آنچه طی سال های گذشته به افزایش مستمر سطح عمومی قیمت ها منجر شده، حاصل مجموعه ای از عوامل داخلی و خارجی است؛ عواملی که برخی از آنها به ساختار اقتصاد بازمی گردند و برخی دیگر در نتیجه تحریم ها، تنش های ژئوپلیتیکی و محدودیت های ارزی تشدید می شوند.

نوسانات اقتصادی

عبدالنصر همتی- رئیس کل بانک مرکزی- در تشریح این وضعیت، بخش مهمی از نوسانات اقتصادی را ناشی از فشارهای خارجی، تحریم ها و ریسک های ژئوپلیتیکی می داند؛ عواملی که از نگاه او یا ننگنه های تراز پرداخت ها و ریسک های بودجه ای در داخل کشور، تلاقی پیدا می کنند.

در این روایت، اقتصاد ایران ابتدا با یک شوک خارجی مواجه می شود و سپس این شوک از مسیرهای مانند نرخ ارز، هزینه واردات و انتظارات تورمی به اقتصاد داخلی منتقل می شود.

اما مسئله به همین جا ختم نمی شود. کارشناسان می گویند حتی اگر منشأ اولیه یک شوک خارجی باشد، نحوه واکنش اقتصاد داخلی تعیین می کند که اثر آن کوتاه مدت باقی بماند یا به تورمی پایدار تبدیل شود. به همین دلیل همتی بر این نکته تأکید دارد که بانک مرکزی نمی تواند در برابر انتقال شوک های خارجی به اقتصاد منفعل باشد. از این منظر، انضباط پولی نخستین خط دفاعی در برابر تورم است؛ یعنی کنترل موتورهای تورم را، محدود کردن رشد ترانزنامه بانک ها و جلوگیری از تبدیل شدن بودجه دولت به پول جدید.

این بخش از روایت بانک مرکزی به یکی از مهم ترین حلقه های زنجیره تورم در ایران اشاره دارد: رابطه میان کسری بودجه، نظام بانکی و خلق پول. زمانی که دولت با شکست میان درآمد و هزینه های خود مواجه می شود، نحوه تأمین این کسری اهمیت زیادی پیدا می کند.

ریشه اصلی تورم

با این حال، حسین راغفر از اقتصاددانان نهادگرا، نقطه شروع تحلیل خود را کمی متفاوت از رئیس کل بانک مرکزی قرار می دهد. در نگاه او، ریشه اصلی تورم ایران را باید در کسری بودجه دولت هاست و جوکر؛ مشکلی که طی دهه های گذشته با افزایش نرخ ارز و قیمت حامل های انرژی نیز پیوند خورده است.

از دیدگاه راغفر، تضعیف پول ملی در دوره های مختلف به یکی از ابزارهای جبران کسری های دولت تبدیل شده و همین تکرار، یک پیام مهم به فعالان اقتصادی و مردم داده است؛ اینکه احتمال تداوم افزایش قیمت ها بالاست. در چنین شرایطی، انتظارات تورمی دیگر صرفاً یک واکنش روانی به گرانی نیست، بلکه خود به عاملی برای تشدید تورم تبدیل می شود.

مردمی که انتظار افزایش نرخ ارز، قیمت کالاها و هزینه های تولید را دارند، رفتار اقتصادی خود را بر اساس همین انتظار تنظیم می کنند. تقاضا برای دارایی هایی مانند ارز و صرف تولید نیز ممکن است خرید خود را مصلحت ببندازد. در نتیجه، انتظاری که در ابتدا محصول تورم بوده، به عاملی برای بازتولید آن تبدیل می شود.

نقش ساختارهای داخلی،

راغفر معتقد است نمی توان نقش ساختارهای داخلی، به ویژه کسری بودجه و شیوه های تأمین مالی دولت را به حاشیه برد؛ زیرا تکرار این سیاست ها خود به شکل گیری انتظارات تورمی در جامعه منجر شده است.

در واقع، این دو نگاه همتی و راغفر لزوماً یکدیگر را نفی نمی کنند. تحریم و شوک خارجی می تواند جرقه افزایش نرخ ارز و قیمت ها باشد، اما اینکه این جرقه به آتش تورم پایدار تبدیل شود، تا حد زیادی به وضعیت مالی دولت، سیاست پولی، نظام بانکی و اعتماد مردم به سیاستگذار بستگی دارد.

از همین منظر، مهار تورم صرفاً با کنترل یک متغیر امکان پذیر نیست. بانک مرکزی می تواند رشد ترانزنامه بانک ها را محدود کند و از پولی شدن کسری بودجه جلوگیری کند، اما همان طور که همتی نیز اشاره کرده، سیاست پولی به تنهایی قادر به لنگر سازی انتظارات نیست. سیاست مالی دولت، سیاست تجاری، قیمت گذاری های دولتی و تصمیمات ساختاری نیز مستقیماً بر تورم و نرخ ارز اثر می گذارند.